www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

The Mediatory Role of the Perceived Problem Solving Ability in the Relationship between Control of Anger and Perceived Parenting Styles

Behzad Azarneoushan [1], Habibollah Naderi [*2], Askari Asghari Ganji [3], Ali Asghar Shojaee [4]

[1] *Department of Educational Psychology,Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran*
[2] *Department of Psychology, Mazandaran University, Babolsar, Iran*
[3] *Advisory Group, Farhangian University, Babol, Iran.*
[4] *Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran*

**Corresponding author: Habibollah Naderi, Department of Psychology, Mazandaran University, Babolsar, Iran*

Article Info

Keywords: *Perceived problem solving, Anger control skill, Perceived child-rearing styles.*

Abstract

Introduction: In educational environments, the type of parenting style as well as the understanding of problem solving ability can be effective in anger control skills.
The purpose of this study was to explain the relationship between perceived parenting styles and anger control skill with mediating role of understanding the ability of solving in students.

Methods: This research was correlation research. The statistical population consisted of high school students in Babolsar. In this research, 395 people were selected using multi-stage cluster random sampling. Data collection tools included a perceived ability questionnaire, perceived parenting styles, and anger control skills. Structural equation modeling and path analysis were used to analyze the results.

Results: Path analysis showed that perceived parenting style (authoritative, authoritative, and indifferent) through mediation of perception of solving ability was able to substantially explain the control skills of anger in the form of structural relationships.

Conclusion: The results of this study emphasize the importance of perceived child-rearing styles in solving ability and control of anger, so that anger control skill can reflect the strong parenting style and the ability to solve the problem.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۴۰۲
صفحات: ۱۶۲-۱۷۰

نقش واسطه‌ای درک از توانایی حل‌مسئله دانش آموزان در رابطه بین مهارت کنترل خشم و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده

بهزاد آذرنیوشان[۱]، حبیب اله نادری*[۲]، عسکری اصغری گنجی[۳] ، علی اصغر شجاعی[۴]

[۱] گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران
[۲] گروه روانشناسی ، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران
[۳] گروه مشاوره ، دانشگاه فرهنگیان، بابل، ایران.
[۴] گروه علوم تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

*نویسنده مسوول: حبیب اله نادری ، گروه روانشناسی ، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

چکیده

مقدمه: در محیط های آموزشی نوع سبک فرزندپروری ادراک شده و همچنین درک از توانایی حل مساله در مهارت کنترل خشم می‌توانند موثر باشند. هدف پژوهش حاضر تبیین رابطه بین سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و مهارت کنترل خشم با نقش واسطه ای درک از توانایی حل‌مسئله در دانش آموزان بود.

روش کار: پژوهش حاضر از نوع پژوهش های همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش آموزان دبیرستان های شهرستان بابلسر تشکیل دادند. در این پژوهش، تعداد ۳۹۵ نفر با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند. ابزارهای گردآوری داده‌ها شامل، پرسشنامه درک از توانایی حل‌مسئله، سبک‌های فرزندپروری ادراک شده ، مهارت کنترل خشم بودند. برای تحلیل نتایج از روش مدل یابی معادلات ساختاری «SEM » و تحلیل مسیر استفاده شد.

یافته ها: نتایج تحلیل مسیر نشان داد، سبک فرزندپروری ادراک شده (مقتدرانه، مستبدانه و بی اعتنا) با میانجی گری درک از توانایی حل‌مسئله قادر است در قالب روابط ساختاری مهارت کنترل خشم را به طور معنی داری تبیین کنند.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش بر اهمیت سبک‌های فرزند پروری ادراک شده در توانایی حل‌مسئله و مهارت کنترل خشم تاکید می نماید، به نحوی که مهارت کنترل خشم می تواند بازتابی از سبک فرزند پروری مقتدرانه و توانایی حل‌مسئله بالا باشد.

واژگان کلیدی: درک از توانایی حل‌مسئله، مهارت کنترل خشم، سبک‌های فرزند پروری ادراک شده

مقدمه

نوجوانی «Adolescence» به معنای رشد کردن و رسیدن، آن دوره‌ای از رشد است که با بلوغ آغاز می‌شود و با بزرگسالی خاتمه می یابد. نوجوانان باید با مشکلاتی که در مدرسه و خانواده با آن روبرو هستند، مقابله کنند، که شیوه‌های غلط فرزند پروری می‌تواند باعث مشکلات رفتاری و عدم سازگاری فرزند شود. منابع مقابله ای در دوران نوجوانی شامل مهارت های حل مسئله، مهارت‌های ارتباط بین فردی و محیط اجتماعی مانند دسترسی به شبکه اجتماعی حمایتی است که تطبیق موفقیت آمیز با استرس، زندگی را تسهیل می کند(۱).

سبک‌های فرزند پروری (مستبدانه، مقتدرانه و بی اعتنا) به رفتارهای معینی از والدین اشاره دارد که به طور منفرد و در ارتباط با هم بر پیامدهای تحولی نوجوان اثر می‌گذارند و در بر گیرنده میزان پاسخگو بودن و مطالبه گری والدین است .والدین سبک فرزند پروری خاصی را با توجه به امکانات و شرایط انتخاب می‌کنند، سبک‌های فرزند پروری متفاوت می‌تواند تاثیرات مثبت و منفی زیادی در شرایط عاطفی، هیجانی فرزندان داشته باشد (۲). والدین مستبد، تنبیه کننده، متوقع و صریح هستند و پاسخ دهی آنها به نیاز فرزند در حداقل میزان خود قرار دارد. در سبک مقتدرانه قوانین مشخص و کنترل مناسب برای رفتارهای نوجوان دارند و در همه شرایط آنها را به گرمی می‌پذیرند، والدین بی اعتنا کنترل خاصی بر رفتار نوجوان ندارند و در هر شرایطی به نوجوان اجازه تصمیم‌گیری و انتخاب را می‌دهند. محققان پیشنهاد می کنند والدین باید مستقیما در فرایند آموزشی فرزندان خود دخالت داشته باشند اما در عین حال کودکان باید برخی از آزادی های خود را برای استفاده از توانایی های خلاقانه داشته باشند(۳). از طرفی با توجه به اهمیت ارزیابی کودکان درباره رفتارهای والدین و آگاهی از آن، تحقیقات نشان داده اند که نگرش فرزندان درباره سبک فرزندپروری والدین با نگرش های خود والدین درباره سبک هایشان متفاوت است (۴). در پژوهش « لی و همکاران» سبک فرزندپروری مستبدانه و بی اعتنا منجر به رفتار قلدری در فرزندان می شود(۵). همچنین نگرش مثبت والدین به پرخاشگری وسبک فرزندپروری مستبدانه و تاکید صرف بر عملکرد تحصیلی کودکان منجر با رفتارهای خشونت بار همبستگی مثبت و معنی داری دارد. همچنین بین فرزندپروری ادارک شده (مستبدانه ،مقتدرانه و بی اعتنا) و اختلا شخصیت مرزی با قلدری سایبری رابطه وجود دارد و قلدری سایبری بازتابی از سبک فرزند پروری مستبدانه و متناقض است (۶). یافته های پژوهش پورعبدلی و همکاران نشان داده است که ادراک فرزندان از شیوه های فرزندپروری به عنوان یک عامل اثرگذار بیرونی قدرت تبیین بهتری برای شکل گیری مکان کنترل و خودپنداره فرزند در مقایسه با نگرش مادر به این شیوه ها می تواند داشته باشد (۷). پژوهش دیگری بر روی سبک های والدین و عملکرد تحصیلی نوجوانان نشان داد بین سبک والدین مستبد و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس متوسطه رابطه معنی داری وجود ندارد ولی بین سبک فرزندپروری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس متوسطه رابطه معنی داری وجود ندارد. در نهایت، بین سبک والدین مقتدر و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس متوسطه رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس یافته ها، نتیجه گیری شد که سبک های فرزندپروری بر میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستان تاثیر مستقیم دارند (۳) در کنار والدین ضعیف (بی اعتنا)، اکثر پاسخ دهندگان نیز دارای نمرات پایین در خودآگاهی، انگیزه و مهارت های اجتماعی بودند(۱).

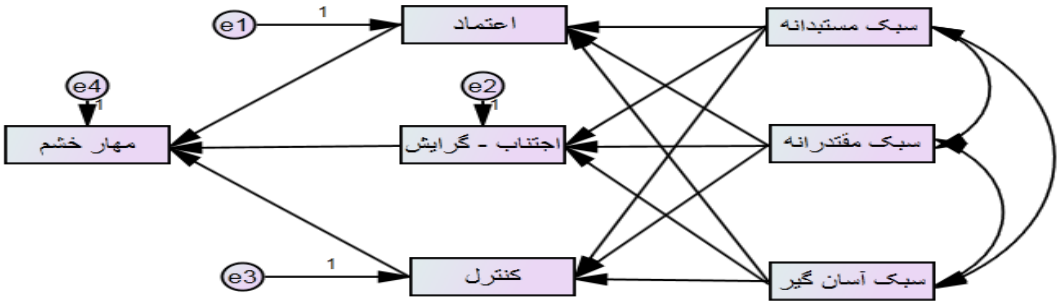
از طرف دیگر یکی از اهداف اصلی در مدارس تقویت مهارت حل مسئله «Problem Solving» در بین دانش آموزان است، این توانایی مهارت حیاتی در عصر حاضر است (۸). مهارت حل مسئله یک فرآیند منطقی و منظم است که به فرد کمک می کند تا در هنگام مواجه شدن با مشکلات روشهای حل مختلف را جستوکند و در نهایت بهترین راه حل را انتخاب نماید (۹). حل مسئله از گذشته های دور یکی از اصطلاحات مهم در زمینه آموزش بوده است، اما در قرن ۲۱ در چهارچوب کلاس درس و ساختار مدرسه توضیح ویژه‌ای را در بر می‌گیرد، این مهارت شامل سطح بالاتری از تحلیل می‌شود تا پاسخی که که منجر به حل مسئله است، دریافت شود (۱۰).

نوجوانان در شرایط بلوغ به مسائل زیادی مواجه می شوند که با اتکا به توانایی حل‌مسئله می توانند بر آنان فائق آیند، نوجوانان که دارای منابع شناختی مانند سرعت، حافظه کاری و استدلال هستند، به پردازش سیال برای موفقیت تکیه می کنند؛ با این حال، با افزایش سن، توانایی هوش متبلور نقش مهمی در حل مسئله ایفا می‌کند و با این مهارت به مهار خشم در آنان کمک می کند (۱۱). بروز خشم در تقسیم بندی مشکلات رفتاری در گروه رفتارهای برونی سازی قرار می‌گیرد، کنترل و مهار خشم از همان ابتدای شروع کودکی توسط مادر مشاهده می‌شود، همچنین نقش مادر در انتخاب شیوه پرورشی در دوره کودکی در بروز و ظهور خشم اهمیت زیادی دارد(۱۲). خشم حالت خصمانه‌ای است که بیشتر با احساسات کینه‌توزانه مشخص می‌شود و والدین درباره رفتار تهاجمی نوجوانان نگرانی های زیادی دارند(۱۳).

نوع سبک فرزند پروری انتخاب شده توسط والدین بر مشکلات رفتاری نوجوانان مانند بروز خشم و رفتارهای تهاجمی نقش تعیین کننده‌ای دارد (۱۴). خشم و مهار آن در میان نوجوانان و جوانان از اهمیت زیادی برخوردار است و یکی از دلایل مراجعه به کلینیک‌های روانشناختی، خشم و پرخاشگری می باشد. به همین

جهت انجام مطالعات برای مهار خشم از موضوعات بسیار مهم تلقی می‌شود. رفتار تهاجمی و خشونت آمیز در نوجوانان پیش‌بینی کننده مشکلات فردی، خانوادگی و تحصیلی است. در قسمت خانواده ارتباط بین درگیری‌های خانوادگی و عدم احساس اتحاد عاطفی و امنیت در اعضای خانواده با مهار خشم نوجوانان انکار نشدنی است(۱۵).

بر اساس یافته ها، چنین استنباط می‌شود که عواملی مثل سبک‌های فرزند پروری ادراک شده و حل‌مسئله در نوجوانان از عوامل مهم تعیین کننده مهارت کنترل خشم است با وجود این شواهد پژوهشی اندکی در این حوزه وجود دارد، به همین جهت پژوهش حاضر با توجه به شکل (۱) به دنبال مطالعه رابطه بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و مهارت کنترل خشم با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای حل‌مسئله است.



شکل(۱) مدل مفهومی

روش ها

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی است و باعث می‌شود که مقدار مولفه‌های متغیرها در محیط مدارس سنجیده شود. از نظر ماهیت و روش یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است که با روش تحلیل مسیر انجام شده است. در این مطالعه، سبک‌های فرزند پروری ادراک شده به عنوان متغیر پیش بین و مهارت کنترل خشم به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شده است، همچنین حل‌مسئله نقش واسطه‌ای را ایفا می‌کنند.

جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی متوسطه اول مشغول به تحصیل در مدارس متوسطه شهر بابلسر تشکیل دادند که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ مشغول به تحصیل بودند. به منظور انتخاب اعضای نمونه تعداد ۳۹۵ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. به این ترتیب که ابتدا هفت مدرسه به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر مدرسه سه کلاس به طور تصادفی انتخاب شد. درگام بعدی، پس از توضیح درباره پژوهش، هدف و نحوه اجرای پژوهش، جهت شرکت در پژوهش و تکمیل پرسشنامه، رضایت آگاهانه دانش آموزان جلب شد، سپس پرسشنامه ها بر روی آنان اجرا شد که بعد از جمع آوری پرسشنامه‌ها، حدود ۳۹۵ نفر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در پژوهش حاضر از پرسشنامه های زیر استفاده شد:

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده « Parental Authority Questionnaire»«PAQ»: برای اندازه‌گیری سبک‌های فرزندپروری از پرسشنامه اقتدار والدین بوری «Buri» (۱۹۹۱) استفاده شد. ابزار مورد نظر از سه خرده مقیاس سبک مقتدر منطقی، سبک مستبدانه و سبک آسان گیر تشکیل شده است و در ۳۰ بخش و در یک طیف لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. بوری (۱۹۹۱) ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۸۱، ۰/۸۶ و ۰/۷۸ را به ترتیب برای سبک مقتدر منطقی، سبک مستبدانه و سبک آسان گیر گزارش و روایی مقیاس نیز به روش تحلیل عاملی تاییدی گزارش شد. در ایران برای پرسشنامه مذکور آلفای کرونباخ را برای سبک آسان گیر ۰/۷۸، مقتدرانه ۰/۷۰ و سبک مستبدانه ۰/۶۲ گزارش شد و همچنین نشان داده شد سوالات دارای روایی نسبتاً مطلوبی هستند و همچنین اعتبار کل پرسشنامه با استفاده از آلفای طبقه‌ای و اعتبار خرده مقیاس‌ها با استفاده از ضریب گاتمن محاسبه شد که در سطح نسبتاً خوب قرار گرفت(۱۶).

پرسشنامه سنجش مهارت‌های مهار خشم: این ابزار که توسط حاجتی و همکاران (۱۳۸۷) ارائه شده و دارای ۲۴ گویه است، درجه موافقت یا مخالفت پاسخ دهنده در باره هشت ماده در زمینه مهارت‌های مهار خشم را در طیف لیکرتی ۵ درجه ای (از کاملاً موافقم=۵ تا کاملاً مخالفم=۱) می‌سنجد. سوال های ۱، ۷، ۸، ۹۱۴ و ۲۳ به صورت معکوس نمره گذاری می شود. کسب نمره بالا در این پرسشنامه نشان‌دهنده توانایی بیشتر در مهار خشم آزمودنی‌ها است. ارائه دهندگان پرسشنامه ضریب اعتبار آن را ۰/۶۰ گزارش نموده‌اند و روایی مقیاس نیز به روش تحلیل عاملی تاییدی گزارش شده است(۱۷).

پرسشنامه درک از توانایی حل مسئله « perceived problem solving ability» هپنر و پترسون : به منظور اندازه‌گیری درک از توانایی حل‌مسئله در دانش‌آموزان از پرسشنامه هپنر و پترسون (۱۹۸۲) استفاده شد. این ابزار دارای

۳۵ گویه و ۳ عامل است. در این پرسشنامه افراد براساس مقیاس لیکرت به پرسش‌ها پاسخ می‌دادند که درجه‌بندی آن شامل کاملا موافقم، موافقم، اندکی موافقم، اندکی مخالفم، مخالفم و کاملا مخالفم می‌باشد. ضریب همبستگی در آزمون مجدد توسط هپنر و پترسون برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ ، برای عامل اعتماد ۰/۸۵ ، عامل شیوهٔ اجتناب – گرایش به مسئله ۰/۸۸ و عامل کنترل شخصی ۰/۸۳ بدست آمد و روایی آزمون را از طریق بررسی ارتباط بین نمرات این پرسشنامه با سایر آزمون های موجود بررسی کردند که نشان دهنده ارتباط معنادار بود. در ایران پرسشنامه ترجمه و آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش شده است و روایی نیز به روش تحلیل عاملی تاییدی گزارش شده است(۱۸).

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش یافته‌های توصیفی و یافته های حاصل از تحلیل مسیر گزارش شده است. در جدول (۱) یافته‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد و نیز ماتریس همبستگی سبکهای فرزندپروری، سبکهای حل‌مسئله و توانایی مهار خشم نشان داده شده است.

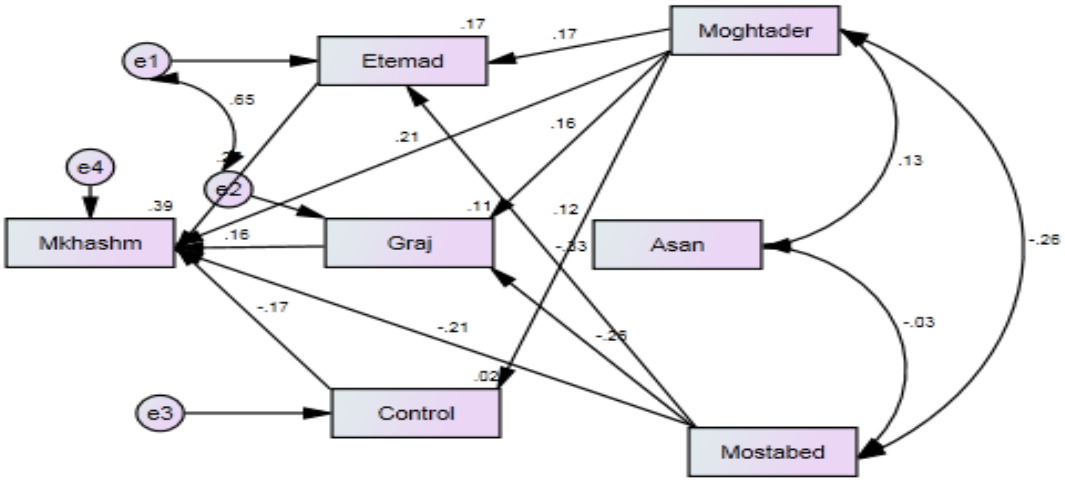
جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی انواع سبک‌های فرزندپروری سبکهای حل‌مسئله و مهار خشم

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
سبک مقتدرانه	۲۴/۹۲	۷/۰۴	۱						
سبک آسان‌گیر	۳۵/۲۲	۵/۹۸	۰/۱۳**	۱					
سبک مستبدانه	۳۴/۸۰	۶/۰۳	-۰/۲۶**	-۰/۰۳	۱				
اعتماد	۲۸/۳۹	۶/۹۷	۰/۲۶**	۰/۰۸	-۰/۳۸**	۱			
اجتنابی- گرایشی	۳۸/۰۴	۸/۳۵	۰/۲۳**	۰/۱۰*	-۰/۳۰**	۰/۶۹**	۱		
کنترل	۱۷/۲۸	۴/۶۹	۰/۱۲*	-۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۱۲*	۱	
مهار خشم	۱۷/۷۳	۵/۱۳	۰/۳۶**	۰/۰۹	-۰/۴۵**	۰/۵۲**	۰/۴۶**	-۰/۱۳*	۱

**P<0/01
*P<0/05

با توجه به جدول (۱)، سبک تربیتی مقتدرانه با سبک آسان گیر (P=۰/۰۱۰، r=۰/۱۳)، اعتماد (P=۰/۰۰۱، r=۰/۲۶)، اجتنابی – گرایشی (P=۰/۰۰۱، r=۰/۲۳)، کنترل (P=۰/۰۱۵، r=۰/۱۲) و مهار خشم (P=۰/۰۰۱، r=۰/۳۶) رابطه مثبت و معنادار و با سبک مستبدانه (P=۰/۰۰۱، r= -۰/۲۶) رابطه منفی و معنادار دارد. سبک آسان‌گیر با اجتنابی – گرایشی (P=۰/۰۴، r= ۰/۱۰) رابطه مثبت و معنادار دارد. سبک مستبدانه نیز با اعتماد (P=۰/۰۰۱، r= -۰/۳۸)، اجتنابی – گرایشی (P=۰/۰۰۱، r= -۰/۳۰) و مهار خشم (P=۰/۰۰۱، r= -۰/۴۵) رابطه منفی و معناداری دارد. اعتماد نیز با اجتناب – گرایشی (P=۰/۰۰۱، r= ۰/۶۹) و مهار خشم (P=۰/۰۰۱، r= ۰/۵۲) رابطه مثبت و معنادار دارد. همچنین، اجتنابی – گرایشی با کنترل (P=۰/۰۲، r= ۰/۱۲) و مهار خشم (P=۰/۰۰۱، r= ۰/۴۶) رابط مثبت و معنادار دارد. بالاخره اینکه، بین کنترل و مهار خشم (P=۰/۰۱۱، r= -۰/۱۳) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

برای ارزیابی مدل پیشنهادی این پژوهش، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. در شکل (۲) نمودار مسیر و ضرایب حاصل از مدل اصلاح شده، آورده شده است.



شکل۲: ضریب استاندارد مدل روابط انواع سبکهای فرزندپروری با مهار خشم با واسطه‌گری سبکهای حل‌مسئله

برازندگی مدل با استفاده از شاخص‌های برازندگی شامل شاخص هنجار شده مجذور کای (نسبت مجذور کای بر درجات آزادی)، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA) مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس نتایج مندرج در جدول ۲، همه شاخص‌ها پس از اصلاح مدل اولیه، بیان‌گر برازش مطلوب مدل نهایی می‌باشند.

جدول۲: شاخص‌های برازندگی مدل اصلاح شده

شاخص	دامنه مورد قبول	مقدار	نتیجه
مجذورخی / درجه آزادی	<۳	۱/۸۴	تأیید
GFI	GFI> ۰/۹	۰/۹۹	تأیید
AGFI	AGFI> ۰/۹	۰/۹۶	تأیید
RMSEA	RMSEA< ۰/۰۹	۰/۰۴۷	تأیید
IFI	IFI> ۰/۹	۰/۹۹	تأیید
CFI	CFI> ۰/۹	۰/۹۹	تأیید

در ادامه با در نظر گرفتن ضرایب مسیرهای به دست آمده در مدل که در جدول (۳) قابل مشاهده است، به بررسی فرضیه‌های مستقیم و غیر مستقیم پرداخته شده است.

جدول شماره۳ : ضرایب استاندارد اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل

اثر	متغیر مستقل	متغیر وابسته			
		اعتماد	گرایشی- اجتنابی	کنترل	مهار خشم
مستقیم	سبک مقتدرانه	۰/۱۷**	۰/۱۶*	۰/۱۲*	۰/۲۱**
	سبک آسان گیر	....	....	....	....
	سبک مستبدانه	-۰/۳۳*	-۰/۲۶*	....	-۰/۲۱**
	اعتماد	....	....	....	۰/۲۷**
	گرایشی- اجتنابی	....	....	....	۰/۱۶**
	کنترل	....	....	....	-۰/۱۷**
غیر مستقیم	سبک مقتدرانه	....	....	....	۰/۰۵*
	سبک آسان گیر	....	....	....	....
	سبک مستبدانه	....	....	....	-۰/۱۳*
کل	سبک مقتدرانه	۰/۱۷**	۰/۱۶*	۰/۱۲*	۰/۲۶**
	سبک آسان گیر	....	....	....	....
	سبک مستبدانه	-۰/۳۳*	-۰/۲۶*	....	-۰/۳۴*
	اعتماد	....	....	....	۰/۲۷**
	گرایشی- اجتنابی	....	....	....	۰/۱۶**
	کنترل	....	....	....	-۰/۱۷**
ضریب تعیین		٪۱۷	٪۱۱	٪۲	٪۳۹

نتایج مندرج در جدول(۳) در مورد روابط مستقیم حاکی از این است که ۱) ضریب مسیر استاندارد بین سبک مقتدرانه با اعتماد (β =۰/۱۷ ،p=۰/۰۰۷)، گرایشی- اجتنابی (p=۰/۰۱۳، β =۰/۱۶)، کنترل (p=۰/۰۲۹، β =۰/۱۲) و مهار خشم (p=۰/۰۰۴، β =۰/۲۱)، مثبت و معنی‌دار است. بنابراین، سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت اعتماد، گرایشی- اجتنابی، کنترل و مهار خشم بوده است، ۲) ضریب مسیر استاندارد بین سبک فرزندپروری مستبدانه با اعتماد (p=۰/۰۲۰، β = -۰/۳۳)، گرایشی- اجتنابی (p=۰/۰۲۱، β = -۰/۲۶) و مهار خشم (p=۰/۰۱۰، β = -۰/۲۱) منفی و معنی‌دار است. بنابراین، سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار اعتماد، گرایشی - اجتنابی و مهار خشم بوده است، ۳) ضریب مسیر استاندارد بین اعتماد با مهار خشم (p=۰/۰۰۷، β = ۰/۲۷)، گرایشی- اجتنابی با مهار خشم (p=۰/۰۰۶، β = ۰/۱۶)، مثبت و معنادار و کنترل با مهار خشم (p=۰/۰۰۵، β = -۰/۱۷) منفی و معنی‌دار است.

برای تعیین معنی‌داری اثرات غیر مستقیم از روش نمونه‌گیری‌های مکرر" بوت استراپ۱۶" (شراوت و بولگر، ۲۰۰۲، به نقل از سلیمی و جوکار، ۱۳۸۸) با فاصله اطمینان ۹۵ درصدی توزیع نمونه‌گیری اثرات، استفاده شد. با توجه به جدول شماره (۳) ، ضرایب مسیر استاندارد غیر مستقیم و نتایج آزمون معنی‌داری اثرات غیر مستقیم نشان داد که: ۱) سبک فرزندپروری مقتدرانه ، پیش‌بینی‌کننده مثبت و غیر مستقیم مهار خشم است (p=۰/۰۲۴، ۰/۰۵ = ۲ ،(β) سبک فرزندپروری مستبدانه ، پیش‌بینی‌کننده منفی و غیر مستقیم مهار خشم (p=۰/۰۱۱، ۰/۱۳- = β) است.

بررسی اثرات کل، حاکی از این است که: ۱) اثر سبک مقتدرانه بر اعتماد (p=۰/۰۰۷، ۰/۱۷ = β)، گرایشی- اجتنابی (p=۰/۰۱۳، ۰/۱۶ = β)، کنترل (p=۰/۰۲۹، ۰/۱۲ = β) و مهار خشم (p=۰/۰۰۷، ۰/۲۶ = β)، مثبت و معنی‌دار است. بنابراین، سبک فرزندپروری مقتدرانه پیش‌بینی‌کننده مثبت اعتماد، گرایشی- اجتنابی، کنترل و مهار خشم بوده است، ۲) اثر سبک فرزندپروری مستبدانه بر اعتماد (p=۰/۰۲۰، ۰/۳۳- = β)، گرایشی- اجتنابی (p=۰/۰۲۱، ۰/۲۶- = β) و مهار خشم (p=۰/۰۱۲، ۰/۳۴- = β) منفی و معنی‌دار است. بنابراین، سبک فرزندپروری مستبدانه پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار اعتماد، گرایشی - اجتنابی و مهار خشم بوده است، ۳) اثر اعتماد بر مهار خشم (p=۰/۰۰۷، ۰/۲۷ = β)، گرایشی- اجتنابی بر مهار خشم (p=۰/۰۰۶، ۰/۱۶ = β)، مثبت و معنادار و اثر کنترل بر مهار خشم (p=۰/۰۰۵، ۰/۱۷- = β) منفی و معنی‌دار است.

بحث

با توجه به مدل پیشنهادی یافته‌های پژوهش حاضر به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرد: همانطور که پیش‌بینی می‌شد سبک فرزند پروری ادراک شده مقتدرانه مهار خشم را پیش‌بینی می کند. این یافته‌ها هم‌راستا با پژوهش اسمیت و همکاران و اسمیت و همکاران است که نشان داده‌اند کارکرد خانواده و انتخاب سبک فرزند پروری مناسب در پیش‌بینی مهار خشم نقش دارد و بیانگر آن است که سبک فرزند پروری مقتدرانه می‌تواند باعث مهار خشم شود(۱۲،۱۹). همچنین نتایج پژوهش جورج و همکاران (۱) که نشان در کنار والدین ضعیف (بی اعتنا)، اکثر پاسخ دهندگان نیز دارای نمرات پایین در خودآگاهی، انگیزه و مهارت های اجتماعی بودند،با نتایج پژوهش حاضر همسو است. در این پژوهش آمده است: آموزش مدیریت رفتار به والدین موجب کاهش شدت خشم در موقعیت‌های خشونت‌آمیز در نوجوانان می‌شود.

در تبیین رابطه بین سبک فرزندپروری‌ادراک شده مستبدانه و مهارخشم می‌توان گفت که بعد مستبدانه در سبک فرزندپروری می‌تواند مشکلاتی در مهارخشم را پیش بینی کند، باتوجه به نتایج پژوهش‌های (۵ و ۶) که با نتایج پژوهش حاضر همراستا است، سبک مستبدانه باعث شکل گیری مشکلات رفتاری و تفکرات غیر منطقی در نوجوان می‌شود، اگر نوجوان از طرف والدین محبت و توجه کافی را دریافت نکنند احساس ارزشمند بودن خود را از دست می‌دهند و زمینه بروز خشم را پدید می‌آورد(۷). در نهایت نتایج این پژوهش درک از توانایی حل‌مسئله را پیش‌بینی کننده مثبت مهار خشم نشان داده است که با نتایج بررسی‌های (۲ ، ۹) همسو است.

در این تحقیق اشاره به دو دسته از پیامدهای عملی و نظری، ضمن نمایش اهمیت آن، سبب پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آینده خواهد بود. در قسمت عملی، تحلیل رابطه مهارت کنترل خشم و سبک‌های فرزند پروری ادراک شده، علاوه بر برجسته ساختن نقش فرزندپروری اقدامات پیشگیرانه را به منظور افزایش آگاهی سبک‌های فرزندپروری برای والدین فرا می‌خواند. با توجه به این شرایط، مطالعات مربوط به متغیرهای تعیین کننده و تاثیر گذار بر مهارت کنترل خشم در نوجوانی و درک از توانایی حل‌مسئله همچنان جایگاه برتر و ضروری خود را در حوزۀ تحقیق‌های مرتبط با این سازه‌ها نشان می‌دهند.

با وجود آنکه نتایج مطالعه حاضر، اطلاعات با ارزشی را درباره مهار خشم نوجوان با در نظر گرفتن سبک‌های فرزندپروری‌ادراک شده و درک از توانایی حل‌مسئله فراهم کرده است اما برخی از محدودیت‌های مطالعه حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجهه می کند. اول، مطالعه حاضر دارای ماهیتی مقطعی است. بنابراین، طرح استنتاج‌های علی و معلولی بر اساس یافته‌ها باید با احتیاط انجام شود. بر این اساس، به محققان گرانقدر به این قلمرو تحقیق پیشنهاد می‌شود با استفاده از یک طرح تحقیقاتی آینده‌نگر که درآن تمامی اندازه‌گیری‌های انجام شده از مفاهیم متفاوت در فاصله های زمانی مختلف انجام می‌شوند، روابط علی بین سازه‌های روانشناختی چندگانه را در الگوی ساختاری مفروض بیازمایند. همچنین با آگاهی از تغییر یا عدم تغییر خصایص کارکردی مفاهیم انتخاب شده در مدل پیشنهادی جمع‌آوری داده ها به کمک یک طرح پژوهشی طولی پیشنهاد می‌شود. دوم، نتیجه‌های بررسی حاضر مانند پژوهش‌های دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خود گزارشی به جای مطالعه رفتار اصیل ممکن است دانش‌آموزان را به استفاده از روش‌های مبتنی بر کسب تایید اجتماعی و جلوگیری از بدنامی مربوط به عدم کفایت فردی و خانوادگی ترغیب کند. سوم، با توجه به اینکه نمونه پژوهشی حاضر فقط از بین نوجوانان مدارس متوسطه اول

شهرستان بابلسر انتخاب شدند، جهت تعمیم ویژگی‌های کارکردی مفاهیم منتخب شده در مدل پیشنهادی نیازمند انتخاب گروه‌های نمونه دیگری است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر، اطلاعات مهمی برای خانواده‌های گرامی، مشاوران و معلمان ارجمند فراهم می‌آورد. خانواده‌ها با آگاهی از سبک‌های فرزندپروری و انتخاب سبک مناسب، به رشد فرزندان کمک کنند و همچنین از پیامدهای سبک‌های نامناسب پیشگیری نمایند. مشاوران می‌توانند با آموزش مهارت‌های زندگی مانند: مهارت کنترل خشم، توانایی حل‌مسئله به نوجوانان جهت افزایش کیفیت زندگی کمک نمایند. معلمان با شناخت و درک ویژگی‌های نوجوان رفتارهای آنان را بررسی نموده و پاسخ‌های مناسب را آموزش دهند. طرح موضوع سبک‌های فرزند پروری ادراک شده در کنار سبک‌های فرزند پروری تجربه شده، ایده‌های جدیدی هستند، این ایده‌ها برخاسته از یافته‌های تحقیق با در نظر گرفتن متغیرهای دیگر به سهم خود افق‌های جدیدی را پیش روی هر یک از نظریه‌های مرتبط با نوجوانی، مهارت کنترل خشم و درک از توانایی حل‌مسئله می‌گشایند.

تشکر و قدردانی: از تمامی دانش‌آموزان و کادر آموزشی شرکت کننده در پژوهش که با شکیبایی در این پژوهش همکاری کرده اند، قدردانی می شود.

تضاد منافع: این مطالعه بدون حمایت مالی هیچ گونه سازمانی انجام شده است و تمامی یافته‌های آن به طور دقیق و شفاف ارائه شده است، بنابراین هیچ‌گونه تعارض منافع وجود نداشته است.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی پژوهش عبارت بود از رضایت کامل و آگاهانه گروه نمونه جهت شرکت در پژوهش و همچنین این مقاله دارای کد اخلاق ۲۱۴۷۸۵/۴۷ از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل است.

منابع

1. George N, Deepthi N S, George M, Shaju A C, Johnson R C, Mathew T P, Act. A study of emotional intelligence and perceived parenting styles among adolescents. Journal of Family Medicine and Primary Care. 2017; 6(4): 848-852. [link]
2. Checa P, Abundis-Gutierrez A. Parenting Styles, Academic Achievement and the Influence of Culture. Psychology and Psychotherapy: Research Study. 2018; 1 (4): 1-3. [link]
3. Obiunu R F D J. Influence of Parenting Styles on the Academic Performance of Secondary School Students in Ethiope East Local Government Area Delta State. International Journal of Educational Technology and Learning. 2018; 2(2): 54-58. [link]
4. Cohen M, Mansoor D, Gagin R , Lorber A. Perceived parenting style, self-esteem and psychological distress in adolescents with heart disease. Psychology, Health & Medicine . 2008; 13 (4): 381-388. [link]
5. Lee C H, Song J. Functions of parental involvement and effects of school climate on bullying behaviors among South Korean middle school students. Journal of Interpersonal Violence. 2012; 27(12): 27-64. [link]
6. .۶.Hashemi T, Badri R, Esmaeilpour F. The role of perceived parenting styles and borderline personality disorder in cyberbullying: role mediator of empathy. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2018; 5(2): 814-92. [link] [Persian]
7. Pourabdoli M, Kadivar P, Homauoni A. The relationship between mother parenting styles and their children's perception from them with iocus of control and self-esteem. Knowledge and Research in Applied Psychology. 2018; (10)37: 107-128. [link] [Persian]
8. Turgay D, Turkan K Y .The effects of mind games in math and grammar courses on the achievements and perceived problem-solving skills. British Journal of Educational Technology. 2018; 5:1-13. [link]
9. Arslan C. Interpersonal problem solving, self-compassion and personality traits in university students. Educational Research and Reviews. 2016; 11(7): 474-481. [link]
10. Belecina R, Jose M. Effecting change on students' critical thinking in problem solving. International Journal for Educational Studies. 2018; 10(2):109-118. [link]
11. Chen X, Hertzog C, Parkd C. Cognitive predictors of everyday problem solving across the lifespan. Behavioural Science. 2017; 63:372-384.[link]
12. Smith C L, Day K L. Parenting, anger, and effortful control as predictors of child externalizing behavior, the role of child sex as a moderator. International Journal of Behavioral Development. 2018; 42(2): 248-256. [link]
13. Tanwar, Kamini, Priyanka MS. Impact of media violence on children’s aggressive behavior. Indian Journal of Research. 2016; 5(6): 241-245. [link]
14. Sarwar S. Influence of parenting style on children’s behavior. Journal of Education and Educational Development. 2016; 3(2): 222-249. [link]
15. Estevez E, Jimenez TI, Moreno d. Aggressive behavior in adolescence as a predictor of personal, family and school adjustment problems. Psicothema. 2018; 30(1): 66-73. [link]
16. Elhamy S, Karimisani P, Fathi Azar S. Relationship between attachment and parenting styles with activity in social networks of Secondary school students in the city of Salmas. JNIP. 2017; 1 (2):1-8. [link] [Persian]
17. Hajati F, Akbarzade N, Khosravi Z. The effect of combined programming of cognitive-behavioral therapy with positive approach on preventive violence in Tehran. Psychological Studies.2010; 4(3):35-56. [link] [Persian]
18. Seyedfatemi N, Moshirabadi Z, Borimnejad L, Haghani H. Relationship between Problem Solving and

Assertiveness Skills among Nursing Students. Hayat. 2013; 19 (3):70-81. [link] [Persian]
19. Yuichung C J, Harlow A J, Kinsey R, Gerstein L H, Lai C F. The examination of authoritarian parenting styles, specific forms of peer-victimization, and reactive aggression in Hong Kong Youth. School Psychology International. 2018; 39 (4): 378-399. [link]